

رئیس سازمان بسیج رسانه خراسان رضوی از تمدید دو هفته‌ای زمان ارسال آثار به هفتمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر خبر داد. مهدی شاد با اعلام این خبر اظهار کرد: از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای استان دعوت می‌کنیم آثاری را که از پنجم اسفند ماه ۱۴۰۱ تا اول دی ماه ۱۴۰۲ تولید و منتشر کرده‌اند به این جشنواره ارسال کنند.

وی با اشاره به زمان ارسال آثار تولیدی افزود: بازه انتشار آثار ثابت است و فقط زمان ارسال آثار به مدت دو هفته تمدید می‌شود و علاقه‌مندان برای شرکت در این جشنواره می‌توانند آثار منتشر شده را تا ۱۵ دی ماه ۱۴۰۲ به نشانی اینترنتی <https://aboozarfestival.com/> ارسال کنند.

رئیس سازمان بسیج رسانه خراسان رضوی ادامه داد: محورهای هفتمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر خراسان رضوی شامل «امام رضا^ع، ولی نعمت فکری، مادی، معنوی مردم»، «جهاد تبیین، رازو اصالت‌گفت‌وگو با مردم»، «مطالیه‌گری از مسئولین تاحل مسئله»، «بازنمایی سیما و نماتام مشهد رضوی»، «رسانه، مسئولیت اجتماعی و کاهش گسست اجتماعی»، «خراسان رضوی، شاهراه شرق و توسعه اقتصادی»، «خراسان بزرگ، خاستگاه هنر و ادبیات حماسی و اساطیری»، «خشک سالی، از اقلیم و مدیریت منابع تا همراهی مردم»، «فرهنگ شهروندی»، «خانواده و مسئله جمعیت»، «ورزش همگانی، سلامت اجتماعی» و «الگوی سوم، زن با هویت و نقش آفرین» است.

شاد دربارۀ قالب‌های ارسال آثارگفت: گزارش مکتوب (خبری، تحقیقی و تحلیلی)، مصاحبه، یادداشت و سرمقاله، تیترا (همراه با بخش ویژه تیترا عکس خوان)، عکس (همراه با بخش ویژه مجموعه عکس)، گزارش ویدئویی، مستند، پادکست، برنامه رادیویی، برنامه سازی تلویزیونی، پوستر، اینفوگرافی و صفحه آرایی قالب‌هایی است که خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای می‌توانند آثار خود را به جشنواره ارسال کنند.

نامزدهای مجموعه داستان جایزه «احمد محمود» معرفی شدند

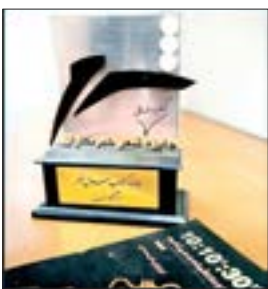


نامزدهای بخش مجموعه داستان چهارمین دوره جایزه «احمد محمود» معرفی شدند. دبیرخانه این دوره از جایزه، نامزدهای اولیه خود را در بخش مجموعه داستان اعلام کرد. این فهرست شامل «کتاب است که در

بازه زمانی دو سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ منتشر شده‌اند. بنا بر اعلام، داوری این بخش به صورت نظرسنجی از میان نویسندگان کتاب‌فروشان و منتقدان انجام شده‌است. داوری اصلی در این مرحله سه کتاب را از بین این «اثر به عنوان نامزد نهایی اعلام و برگزیده را انتخاب خواهد کرد. اسامی داوران بخش نهایی متعاقبا اعلام خواهد شد. اسامی نامزدهای اولیه بخش مجموعه داستان به شرح زیر است: «اترک» نوشته امین اطمینان، نشر ثالث، «باغ و حش انسانی» کامران محمدی، نشر سنگ، «حرف اول اسمش نو ن بود» به قلم حافظ خیایو، نشر نیماژ، «خاطرات پسر بچه شصت ساله» جلد اول نوشته حمید جبلی، انتشارات پریان، «خون در رگ رویا نیست» اثر مهدی اسدزاده، نشر چشمه، «زنی شبیه تهران» از مهسادهقنای پور، نشر هیلا، «ساحل تهران «به قلم مجید قصری، نشر افرق، «شهری از خواب» نوشته جابر حسین زاده نودهی، نشر هیلا، «قوافی تباهی» از امین علی اکبری، نشر بان، «یاغی آخر» نوشته علی صالحی، نشر ثالث.

مراسم نهایی جایزه ادبی «احمد محمود» زمستان ۱۴۰۲ در سه بخش رمان، داستان کوتاه و «دیدار» (برگزیدگان داستان‌های منتشر نشده ارسال شده به دبیرخانه) برگزار خواهد شد.

فراخوان بخش ویژه جایزه شعر «خبرنگاران» منتشر شد



دبیرخانه جایزه کتاب سال شعرایران به انتخاب «خبرنگاران» فراخوان بخش ویژه شاعران بدون کتاب هجدهمین دوره را با گرامیداشت یاد «شمس آقاچانی» و «شاپور جوکرش» منتشر کرد.

هجدهمین دوره جایزه کتاب سال شعر

ایران به انتخاب «خبرنگاران»، همچون دوره‌های گذشته، در سه بخش اصلی «کتاب سال»، «ویژه» (شاعران بدون کتاب شعر) و «تجلیل» (از یک عمر فعالیت شعری)، با داوری جمعی از شاعران خبرنگار و فعال رسانه در حوزه فرهنگ و ادبیات، برگزار می‌شود. در این دوره نیز بخش جنبی «پژوهش درباره شعر» که از سال گذشته به جایزه اضافه شده، همچنان برقرار است و موضوع این دوره «شعر زنان ایران» است.

زین قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

● **ناوبر استه**✖

«**آرای مولوی در باب جبر و اختیار قابل تأمل است و معتقد است، انسان هم مجبور است و هم مختار**» ● **ویراسته**✔

«**مولوی در باب جبر و اختیار، آرای قابل تأملی دارد و معتقد است...**»

📌 **نکته**

زین قنبر یاد رضا بابایی در ویرایش جمله‌ای لامی نویسد: گزاره «معتقد است» به قابل تأمل است، عطف نشده است و معنای آن این است که «آرای مولوی... معتقد است...»

#زین-قنبر فارسی

هجوم دغدغه‌های زندگی بین مردم و کتاب فاصله می‌اندازد

گفت‌وگو با یک فعال حوزه کتاب که معتقد است مسیر آگاهی ما از مطالعه می‌گذرد



را به تدبیر و تعلم و تفکر تبدیل کند برایش خیلی هزینه دارد. چون عادت نکرده‌است. سخت هم هست. برای همین است که می‌گویند یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. این اتفاق احتیاج به مطالعه دارد و هرکس به فراخور زندگی خودش می‌تواند تصمیم بگیرد. متأسفانه اندیشیدن در جامعه ما دارد روز به روز سخت تر هم می‌شود، چون اندیشیدن واقعا به فراغ بال احتیاج دارد.»

● **نهاد کتابخانه‌ها حمایت نمی‌کند، شهرداری پاسخ نمی‌دهد**

سیما، دختر مهناز احمدی مقدم نیز که از کارکنان همین مجموعه است در خلال این گفت‌وگو نکته‌ای به ما می‌گوید مبنی بر حمایت نکردن نهاد کتابخانه‌های عمومی برای در اختیار قرار دادن نرم‌افزار به روز شده کنگذاری کتاب‌ها: «نهاد کتابخانه‌ها که خودش را حامی کتابخانه‌ها معرفی می‌کند هیچ حمایتی نمی‌کند. ما داریم با قدیمی‌ترین نرم‌افزار کار می‌کنیم.

خیلی داده‌هایمان را نمی‌توانیم به‌روز کنیم و خیلی از کارهایمان را نمی‌توانیم انجام دهیم. من خودم برای دریافت نرم‌افزار جدید با نهاد کتابخانه‌ها تماس گرفتم و گفتند باید ۲۰۰-۳۰۰ میلیون پرداخت کنید. چرا باید نهادهای که خودش را حامی کتابخانه‌ها معرفی می‌کند چنین هزینه‌ای از ما دریافت کند؟ گفتند این امکان فقط برای کتابخانه‌های خودشان است! پیگیری‌ها جز استهلاک ثمره دیگری نداشت. ما با فرایندهای دست‌وپاگیر اداری در نهاد‌های فرهنگی روبه‌رو هستیم.

وقتی یک سیستم اداری دارد شما را فرسوده می‌کند، آدم‌ها نمی‌آیند روی آن سرمایه‌گذاری کنند. ضعف‌های این سیستم اداری معیوب، به حدی است که بهره‌وری را به صفر می‌رساند.» این‌الته تنها مشکلی نیست که راه به زیستن با آن روبه‌رواست.

یکی از کتابدارهای آن نیز می‌گوید نصب یک تابلو برای ورودی کتابخانه برایشان به چالش تبدیل شده‌است. او می‌گوید چون در ورودی کتابخانه از داخل کوچه باز می‌شود، باعث سردرگمی بچه مدرسه‌ای‌ها شده‌است. به همین دلیل، از شهرداری برای نصب تابلو ورودی درخواست کرده‌ایم، اما هیچ اتفاقی رخ نداده‌است.



و دلایل و ضرورت‌های طرح آن را ملاحظه‌ای خواهیم کرد.

شاید پایان بخش این نوشته این سخنان باشد که اسفند ۷۷ در دیدار اعضای دومین مجمع بین‌المللی زبان فارسی مطرح کردند و خود گویای نکته‌های ظریفی است:

«زبان فارسی یکی از ارکان هویت ملی مردم ایران است. بخش عظیم و غیرقابل اغماضی از موارث کهن بشریت اعم از فلسفه، دین، علم، اخلاق، عرفان و سیاست به وسیله زبان فارسی منتقل شده‌است که دست یافتن به آن بدون اطلاع از این زبان آسان نیست.

آنچه که مولوی، عطار، حافظ، سعدی، فردوسی و دیگر بزرگان علم و ادب فراهم آورده‌اند، تنها زمانی می‌تواند مورد استفاده کامل بشریت قرارگیرد که به زبان اصلی، یعنی زبان فارسی در اختیار طالبان و پژوهندگان آن گذاشته‌شود.»

وقتی از او می‌پرسم با وجود همه این چالش‌ها، چه چیزی شما را در همه این سال‌ها برای حفظ این مسیر ثابت قدم نگه داشته‌است، ابتدا می‌گوید درد و سپس عشق: «برای خودم احساس خجالت! معنای زندگی برایم خیلی بیشتر از مادیات آن بوده‌است.» و در ادامه از بی‌اعتمادی و بدبینی موجود، به عنوان بزرگ‌ترین چالشی که در همه‌ای سال‌ها با آن روبه‌رو بوده‌است، صحبت می‌کند: «بدبینی هم از سوی مردم وجود دارد و هم از سوی دولت. می‌گویند چرا؟ برای چه؟ هدفشان چیست؟ می‌گویند خلاصه کتاب از مردم می‌گیرند برای مقالات دانشگاهی خود.»

● **کتاب: شنا در قسمت عمیق تفکر**

با همه این صحبت‌ها، مدیرعامل انجمن می‌گوید نسبت به سال‌های ابتدایی، استقبال از برنامه‌های کتابخانه‌کم شده‌است: «وقتی امید به زندگی کم می‌شود، انرژی‌تان کاسته می‌شود،

بعضی از کارها که به ظاهر جزو اولویت‌ها نیست می‌رود داخل پرانتز. نمی‌گویید کتاب نمی‌خوانم، می‌گویید بعداً می‌خوانم. وقتی زندگی از روال اصلی خود خارج شود، آدم مجبور می‌شود در حوزه‌های سطحی شنا کند. کتاب اما شمارا می‌برد به عمق. هجوم دغدغه‌های زندگی است که بین مردم و مطالعه و کتاب خواندن فاصله می‌اندازد. مردم شاید در این زمینه کوتاهی کنند، اما شرایط را نمی‌توان نادیده گرفت و البته ریشه‌های تربیتی مان را.»

● **گذرا از تقلید به تعقل، هزینه زیادی دارد**

از احمدی مقدم می‌پرسم آیا برای آینده این کتابخانه برنامه‌ای دارد یا نه؟ می‌گوید: «وقتی این انجمن را راه‌انداختم ۳۴ ساله بودم و حالا ۶۰سال دارم. چند سال است دارم به این موضوع فکر می‌کنم که برای ادامه این مسیر باید چه‌کاری انجام بدهم؟ اینکه چگونه می‌توانم اینجا را به نسل بعد بسپارم؟

باید امیدوار بود. با این حال، می‌دانم اثرش را گذاشته‌است. من معتقدم هرکسی باید معمار عمر خود باشد، سازه وجودی ما احتیاج به تعمیر دارد، چون خیلی تخریب شده‌است. هرکس خودش می‌داند کجاها احتیاج به تعمیر دارد و در این مسیر به ابزار آگاهی نیاز است. در همه این سال‌ها بسیاری دنبال یک نسخه حاضر و آماده بوده‌اند. اما اگر کسی بخواهد همین دنباله‌روی‌ها

فرزندان ما احتیاج به مطالعه و آگاهی دارد، یا اینکه بپذیریم مسئولیت من در خانواده فقط پخت و پز نیست، یا اینکه ارتباط درست با همسر و اطرافیان را بدانم. اینجا عشق ایجاد شده. من معتقدم خداوند ما را به رحمانیت دعوت کرده‌است. مهربانی فقط این نیست که به کسی آب و نان بدهیم. گاهی وقت‌ها یک نگاه مهربامیز می‌تواند روز شما را سرشار از انرژی کند.»

● **قفسه کوچکی که به چند کتابخانه تبدیل شد**

رفته رفته، همان‌طور که به جمع مشتاقان این گردهمایی‌ها اضافه می‌شود، تعداد کتاب‌ها و کتابخانه‌ها هم بیشتر و بیشتر می‌شود. احمدی مقدم می‌گوید: «از یک جایی به بعد دیگر به ابزار نیاز داشتیم. برای عده‌ای، کتاب جایی در سبد فرهنگی آن‌ها نداشت یا جزو اسباب و لوازم خانه نبود. من یک قفسه کوچک کتاب داشتم که همان را برداشتم و آوردم در راه‌رو منزل گذاشتم؛ جایی که در ابتدای کار محل شکل‌گیری دوره‌های ما شد و مراجعه‌کننده‌ها قلعاً آن را می‌دیدند و می‌توانستند از آن استفاده کنند. همین اتفاق باعث شد که متوجه شویم وجود کتاب و کتابخانه در مسیری که پیش گرفته‌ایم ضرورت دارد. این یک قفسه کوچک تبدیل شد به چند قفسه در منزل و هرچه بیشتر گذشت بیشتر توسعه پیدا کرد.» و این داستان تاجایی پیش می‌رود که احمدی مقدم می‌گوید: «می‌آمدند سراغمان و می‌گفتند کوجه و محله خیلی شلوغ و ترافیک می‌شود.»

● **ترویج کتاب خوانی و چالش‌های آن**

کتابخانه «راه به زیستن»، البته شعبه‌های دیگری هم در نقاط مختلف شهر داشته که در گذر همه این سال‌ها دیگر اثری از آن‌ها باقی نمانده‌است. اتفاقی که برای بسیاری از کتاب‌فروشی‌های سطح شهر نیز رخ داده و عمده علت آن مسائل اقتصادی و مالی بوده‌است. البته احمدی مقدم می‌گوید داستان جمع شدن شعبات دیگر کتابخانه‌های راه به زیستن، فقط معطوف به مسائل مالی و اقتصادی نیست و داستان‌ش مجال جداگانه‌ای می‌طلبد. با این حال می‌گوید: «مشکلات حقوقی پیدا کردیم. شریان مالی ما به جز همسرم به جایی وصل نیست. از ابتدا هم به دنبال این نبودیم که پول جمع کنیم برای این کار. مسائلی پیش آمده که خستگی زیادی بر من عارض شد و باید انرژی زیادی برای کنترل آن‌ها می‌گذاشتم.»

● **یک کتابخانه در دل یک سازمان مردم‌نهاد**

آغاز مسیر «راه به زیستن» برمی‌گردد به اردیبهشت ۱۳۷۵ که احمدی مقدم خودش این گونه برای ما تعریف می‌کند: «دنبال این بودم که جمعی از بانوان کنار هم بنشینند و گفت‌وگوهایی شکل بگیرد به غیر از آن گفت‌وگوهای همیشگی و روزمره و معمولی به بخش زیادی از آن هم شخصی و خانوادگی است. صحبت‌هایی که فایده‌ای ندارد. راستش این گفت‌وگوها همیشه برای من آزاردهنده بوده و احساس می‌کنم به جای اینکه پیوندهای اجتماعی را محکم‌تر کند، گسسته می‌کند. در مقابل، دنبال حرف‌های هدفمند بودم که آگاهی ما را نسبت به مسائل مختلف بیشتر کند. البته برنامه‌های ما جنسیت نمی‌شناسد، اما آغاز کار بدین شکل بود.» و برای محقق شدن این هدف، کتاب‌آزایی است که به کمک او می‌آید: «می‌خواستم هر حرفی که می‌زیم از کتاب‌ها باشد. برخی می‌گفتند ما اصلاً اهل کتاب نیستیم. اما این اصلاً مهم نبود. حتی یک کتاب قصه هم می‌توانست ما را به هدفمان برساند، چون یک قصه کودک هم در داستانش پیامی نهفته دارد.» و همین می‌شود که از یک جایی به بعد تصمیم بر آن می‌شود تا افراد چند دقیقه‌ای زمان داشته باشند تا صحبت کنند، اگر کتاب یا روزنامه یا مجله‌ای خوانده‌اند، یا مثلاً اگر فیلم مستندی تماشا کرده یا حتی اگر به اخبار فرهنگی گوش کرده‌اند.

● **مهربانی فقط دادن آب و نان نیست**

هر چند قدم اول این کار مشابه برداشتن هر گام آغازین دیگری، سختی‌های مخصوص به خودش را داشته. با این حال بازخورد‌های خوبی که این گفت‌وگوها و کتاب خواندن‌ها داشته، بنیان‌گذاران و دست‌اندرکاران این مجموعه را به ادامه مسیر مصمم و مشتاق می‌کند. او می‌گوید: «بازخورد‌های خیلی خوبی گرفتم. بودند کسانی که با یک‌باور عمیق به این جلسه‌ها می‌آمدند و آنچه خوانده و آموخته بودند و مفید بود دوست داشتند به دیگران نیز منتقل کنند. خیلی‌ها، اولین چیزی که می‌گویند این است که اگر ما با اینجا آشنا نشده بودیم الان یک آدم دیگر بودیم. آن‌ها معتقدند نگاه و بینششان به زندگی عوض شده‌است. مهم است که بتوانیم منصف باشیم و ۵۰درصد به خودمان فکر کنیم و ۵۰درصد به جامعه بیرون. یا اینکه قبول کنیم تربیت

مریم محبی



اگر یک رسالت برای خودشان تعریف کرده باشند. آگاه‌تر کردن مردم است و در این راه مهم‌ترین ابزاری که به آن متوسل شده‌اند کتاب است. انجمن» راه به زیستن»، که بسیاری آن را با عنوان یک NGO یا یک سازمان مردم‌نهاد یا خیریه‌ای فرهنگی-اجتماعی می‌شناسند. در عین حال یک کتابخانه عمومی بزرگ نیز هست که شعارهای متعددی هم دارد؛ اینکه «مطالعه را به عنوان کار ضروری روزانه بپذیریم...»، «ما به گرسنگی مغزها می‌پردازیم...»، «بهترین خانه کتابخانه‌است...»، «سخت‌ترین فقر نادانی است...»، «جامعه‌ای که خواندن کار روزانه‌اش باشد هیچ‌گاه روی دلت نخواهد دید...»، «سرفرازی به خرد و فرهنگ است نه به دارایی و دودمان...»، و حالا چیزی حدود ۲۷سال است که افراد زیادی به واسطه این مجموعه با کتاب و کتاب‌خوانی دمخور شده‌اند. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی است با مهناز احمدی مقدم، مدیرعامل انجمن مردم‌نهاد «راه به زیستن». در باب شکل‌گیری این مجموعه و قدم‌های بزرگی که می‌توان با کمک کتاب برداشت.



روزنامه نگار و مدرس ویراستاری علیرضا حیدری

نگرانی‌هایی درباره به زبان فارسی

وضعیت نایسامان این زبان اظهار نگرانی کرده‌اند و شاید جدیدترین آن این جمله باشد که سال ۹۸ در دیدار با استادان زبان فارسی و شاعران فرمودند که: «راجع به زبان فارسی حقیقتاً نگرانم، واقعا نگرانم.»

نگرانی‌های ایشان ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد. تاریخ زبان فارسی که روزگاری گستره وسیعی از مرزهای شرقی ایران را در اختیار داشت و با دسیسه‌های اجنبی کوچک و کوچک‌تر شد، از مهم‌ترین نکته‌هایی است که بارها یادآور شده‌اند. این نگرانی البته که همچنان جدی است و امروز در افغانستان هم شاهد به خطر افتادن حیات و زندگی زبان فارسی هستیم.

بحث بر سر زبان علم شدن زبان فارسی و اینکه این زبان بتواند مرجع علمی معتبر و